

سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان

رقیه جاویدی^۱، غلامرضا بهروزی لک^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۶

چکیده

تعاملات و مناسبات روابط ایران و عربستان، به عنوان دو قدرت منطقه‌ای، بر تحولات منطقه و کشورهای آن تأثیرگذار است. از طرفی، با پیش‌بینی رویدادهای آینده سیاست خارجی، می‌توان در تعامل با کشورها، سیاست‌گذاری‌های بموقع و درستی انجام داد و تصمیمات مناسبی گرفت. هدف مقاله حاضر، این است که با تلفیق روش سناریونویسی جیمز دیتور و گام دوم تحلیل تأثیر بر روند، رویدادها و سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان را برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسب‌تر، تبیین و تحلیل کند. پرسش اصلی مقاله، این است که سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان چیست؟ با توجه به رویدادها و پیش‌بینی‌های تقویت‌کننده و مانع روابط ایران و عربستان، به این یافته‌ها دست یافتیم که سناریوی تیرگی روابط، بیشترین وقوع احتمال و سناریوی همکاری، کمترین وقوع احتمال را دارد و همچنین، سناریوی جنگ و درگیری و یا قطع روابط نیز احتمال زیادی دارد که با تقویت یکی از پیش‌بینی‌ها به وقوع پیوندد. بنابراین، لازم است سیاستمداران در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک خود با توجه به اینکه الگوی مطلوب سیاست خارجی، همکاری و تعامل سازنده است، با تقویت پیش‌بینی‌های ایدئولوژیک و فرهنگی و نیز نیروهای داخلی منطقه در جهت تقویت سناریوی همکاری به پیش روند.

واژه‌های کلیدی: ایران، عربستان، سناریو، تحلیل تأثیر بر روند، پیش‌بینی‌ها

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، قم ایران Roghayeh_javidi@yahoo.com

۲. (نویسنده مسئول)، عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، قم، ایران

behroozlak@gmail.com

مقدمه

عامل موفقیت یک نظام سیاسی در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، این است که بتواند با تغییر و تحولات خود را تطبیق دهد و مدیریت، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بموقع و درستی انجام دهد. لازمه این امر، پیش‌بینی رویدادها و حادثه‌هایی است که قرار است در آینده در قلمرو داخلی و خارجی کشور رخ دهد. چه بسا عدم تصمیم‌گیری بموقع و بجا و یا عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری درست و صحیح برای آینده و رویدادها یا مشکلات و بحران‌های پیش‌رو، سبب خسارت و زیان‌های جبران‌ناپذیر و یا حتی فروپاشی نظام سیاسی شود؛ از این رو، بررسی آینده و رویدادها و به‌طور کلی، آینده‌پژوهی برای یک نظام سیاسی، اهمیت حیاتی دارد.

مطالعه روندهای موجود هر موضوعی، کمک می‌کند تا بتوان عوامل کلیدی و پیشران‌ها و نیز رویدادها و حادثه‌های آینده را تشخیص داد و با یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، به پیش‌بینی آینده و تحولات آن دست یافت تا بتوان با بررسی بیشترین تأثیر مؤلفه‌ها، سیاست‌گذاری موفق‌تری در حوزه آن موضوع داشت.

سیاست‌های تعاملی و ارتباطی ایران (به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه) با کشور عربستان (به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور در میان کشورهای عربی)، نوع مناسبات در منطقه را دستخوش تغییرات جدی می‌کند. عربستان سعودی در دوره‌های مختلف، سیاست‌های متنوعی را در برابر ایران در پیش گرفته است که از همکاری نسبی تا رقابت و خصومت‌های آشکار و حتی قطع روابط را شامل می‌شود.

هدف ما در مقاله حاضر، بررسی تعاملات منطقه‌ای سیاست خارجی ایران با عربستان، از منظر آینده‌پژوهی و ارائه سناریوی متناسب با اهداف جمهوری اسلامی و منافع ملی در راستای کاهش مخاطرات پیش‌رو در مسیر تحقق سیاست خارجی با عربستان

است. در این راستا، مطالعه روندهای گذشته و کنونی تبادلات منطقه‌ای ایران و عربستان، می‌تواند به ما در بررسی آینده این روابط کمک کند.

روندهای منطقه‌ای ایران و عربستان در گذشته و حال

دو کشور ایران و عربستان پیش از انقلاب اسلامی ایران (دهه ۶۰ و ۷۰ م)، به‌عنوان دو راه نفوذ غرب در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شدند. وظیفه حفظ ثبات سیاسی منطقه و کشورهای حامی غرب، حفظ آبراه نفتی خلیج فارس، جلوگیری از نفوذ کمونیسم و جنبش‌های چپگرایانه، سبب می‌شد که در روابط خارجی خود نسبت به یکدیگر احتیاط بسیاری کنند (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۷۶). در واقع، زمانی که نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۷۱ از منطقه خلیج فارس خارج شدند، آمریکا کوشش کرد تا ایران و عربستان را به‌عنوان متحدان در منطقه خود درآورد و ژاندارم منطقه کند؛ اما با سقوط شاه ایران، سیاست دوستونه آمریکا به‌هم ریخت (درایسدل و بلیک، ۱۳۹۶: ۴۸). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شدیدترین ضربه به منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه وارد شد (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۶۶)؛ زیرا وقتی دولت ایران روی کار آمد، به مقابله جدی با ایالات متحده پرداخت و آمریکا را بزرگ‌ترین دشمن خود تلقی کرد (یانگ، ۱۳۸۴: ۴۰۱). همچنین، وقوع انقلاب اسلامی در ایران سبب شد تا این کشور از لحاظ ایدئولوژیک، در مقابل عربستان قرار گیرد و از طرفی، هر دو کشور ادعا کردند که رهبر جهان اسلام و ام القرای منطقه هستند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۵). اما روابط دو کشور در سال ۱۳۶۶ با کشتار ۲۷۵ زائر ایرانی در مراسم براهت از مشرکان در مکه، بسیار تیره شد و عربستان پس از گذشت هشت ماه از این واقعه، به صورت یکجانبه روابط خود را با ایران قطع و دیپلمات‌های ایرانی را از کشورش اخراج کرد و دیپلمات‌های خود را نیز از ایران فراخواند. امام خمینی (ره) نیز در واکنش به این رفتار عربستان، دستور توقف اعزام زائران ایرانی برای حج واجب را صادر کرد. پس از

گذشت سه سال و با پایان یافتن جنگ تحمیلی ایران و محکومیت حمله عراق به کویت توسط ایران، روابط دیپلماتیک دو کشور با بازگشایی سفارتخانه‌هایشان دوباره برقرار شد. در دوران دولت سازندگی، روابط دو کشور بر پایه شخص رئیس جمهوری ایران بهتر شد و در دوران دولت اصلاحات، با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی، روند مناسبات این دو کشور به شکل جدی‌تری توسعه یافت؛ به طوری که در سال ۱۳۷۶، عبدالله که در آن زمان ولیعهد عربستان بود، در هشتمین نشست سران کشورهای اسلامی در تهران حضور یافت. این امر به اعتقاد تحلیلگران، نقطه عطفی در تاریخ روابط ایران و عربستان محسوب می‌شود؛ زیرا سبب شد نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رئیس جمهور وقت ایران به عربستان سفر کند و پادشاه وقت نیز با صندلی چرخدار به استقبال او بیاید.

با حادثه ۱۱ سپتامبر و شکاف عمیق بین آمریکا با اعراب، روابط ایران و عربستان بیشتر تقویت شد؛ اما با روی کار آمدن دولت اصولگراها، روابط این دو کشور وارد مرحله جدیدی از تنش شد و حمایت ایران از جنبش‌های آزادی‌بخش و بهار عربی و نیز از آن طرف، حمایت عربستان از گروه‌های تروریستی در منطقه و از جمله در جنگ داخلی سوریه و ترور رفیق حریری (نخست وزیر اسبق لبنان)، حضور نظامی عربستان در بحرین و نیز اتهام زدن به ایران برای ترور سفیر عربستان در آمریکا، سبب شد تا روابط دو کشور به سردی گراید.

مجدداً با روی کار آمدن دولت اصلاحات در دور یازدهم انتخابات ریاست جمهوری و پیگیری سیاست تنش‌زدایی و تعامل با کشورها؛ به‌ویژه کشورهای غربی و اروپایی و نیز کشورهای همسایه از جمله عربستان، سعی شد تا روابط سیاسی دو کشور، بهبود یابد؛ اما با وجود برخی از کوشش‌ها برای نزدیکی روابط این دو کشور، به دلیل موقعیت حساس منطقه خاورمیانه و رقابت گاه پنهان و گاه آشکار این دو کشور برای دستیابی به جایگاه رهبری منطقه و حمله نظامی عربستان به یمن و نیز نزدیکی ایران به

سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان / ۵

آمریکا در مسائل هسته‌ای، تعارضات دو کشور جنبه ایدئولوژیک به خود گرفته است و عربستان بارها اعلام کرده که ایران درصدد است هلال شیعی را در منطقه گسترش دهد و شبیه نظامیانی در کشورهای منطقه دارد. در همین راستا نیز عربستان درصدد است با تشکیل ائتلاف عربی-عبری، جلوی ایران و گسترش نفوذ او در منطقه را بگیرد.

در یک‌ساله اخیر، حادثه فرودگاه جده و تعرض به دو نوجوان ایرانی، کارشکنی‌های عربستان برای صدور ویزا به زائران ایرانی برای حج عمره، فاجعه منا و کشته شدن حدود ۵۰۰ زائر ایرانی، سبب شد تا روابط ایران و عربستان به شدت تیره شود و در نهایت، اعتراضات گسترده مردم ایران نسبت به اعدام شیخ نمر و حدود ۵۰ نفر از جوانان شیعه در عربستان و حمله مشکوک به سفارت عربستان در تهران و مشهد، سبب شد که عربستان این اعتراضات را دخالت در سیاست داخلی اش محسوب و روابط خود را با ایران قطع کند و سفیرهای خود را از ایران فراخواند و از دیپلمات‌های ایرانی بخواهد که از کشورش خارج شوند و برخی از کشورهای منطقه، از جمله مصر، امارات، سودان و جیبوتی در حمایت از عربستان، روابط خود را با ایران قطع کنند یا کاهش دهند. همچنین، عربستان در پی قطع روابطش، درصدد است با متحد کردن و جلب رضایت کشورهای عربی منطقه در طی نشست‌هایی، مجوز حمله به ایران را بگیرد که با مخالفت کشورهای عراق، لبنان و سوریه روبه‌رو شده است. در همین راستا، رایزنی‌های مختلفی درباره برقراری مجدد روابط ایران و عربستان توسط کشورهای میانجی منطقه، مانند عراق و مالزی و حتی کشورهای اروپایی و غربی، مانند آمریکا، فرانسه و انگلیس صورت گرفته است که در حال حاضر، بی‌نتیجه باقی مانده است. با اعلام قبولی برجام توسط سازمان ملل و کشورهای اروپایی و غربی و پایان یافتن مسأله هسته‌ای ایران، و نیز مخالفت آمریکا و برخی از کشورهای منطقه برای جنگ با ایران، زرمه‌هایی از طرف عربستان برای برقراری رابطه مجدد با ایران شنیده می‌شود؛ اما در آینده چه چیزی در انتظار روابط ایران و عربستان است؛ آیا رابطه دو کشور

با هم برقرار می‌شود؟ آیا پس از برجام همکاری دو کشور بیشتر خواهد شد و یا اینکه عربستان با توافق ضمنی کشورهای منطقه با ایران وارد جنگ خواهد شد؟ با روش سناریونویسی که یکی از روش‌های پرکاربرد آینده‌پژوهی است، می‌توان به پیش‌بینی آینده روابط دو کشور برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بهتر، بموقع و بجا دست یافت. در ادامه، روش سناریونویسی که چارچوب تحلیلی بحث است، توضیح داده می‌شود و سپس پیشران‌ها و سناریوهای احتمالی و در نهایت، میزان تأثیرگذاری هر یک از سناریوها و سناریویی که بیشترین احتمال وقوع را دارد، بررسی خواهد شد.

چارچوب نظری پژوهش: روش سناریونویسی جیمز دیتور

یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، سناریونویسی است. درواقع، سناریونویسی آن قدر بر اهداف آینده‌پژوهی منطبق است که آن را مهم‌ترین ابزار آینده‌پژوهی به حساب می‌آورند. وندل بدل^۱ معتقد است که همه روش‌های آینده‌پژوهی می‌تواند سبب تدوین سناریو شود. هر یک از آینده‌پژوهان، به شیوه‌ای از سناریو استفاده می‌کنند و به همین دلیل نیز این روش، گسترده‌ترین ابزار روش‌شناختی مشترک در میان آینده‌پژوهان به شمار می‌آید (بل، ۲۰۰۳: ۳۱۶-۳۱۷؛ به نقل از بهاری، ۱۳۹۱: ۸).

واژه «سناریو»، در هنرهای نمایشی ریشه دارد. هرمن کان،^۲ نخستین فردی بود که این واژه را در زمینه تحلیل سیاست و آینده‌پژوهی به کار برد. وی در دهه ۱۹۵۰، واژه سناریو را در برنامه‌ریزی‌های راهبردی و نظامی مؤسسه مشهور «رند»^۳ به کار گرفت. پس از مدتی، شرکت نفتی رویال داچ شل، با به‌کارگیری روش سناریو، توانست نوسان‌های قیمت نفت و بحران نفتی ۱۹۷۳ و نیز تحولات پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را پیش-

1. Wendell Bell

2. Herman Kahn

3. RAND Corporation

سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان / ۷

بینی و برای آن سناریوی برون‌رفت از بحران طراحی کند و به همین دلیل، شرکت شل توانست از کوچک‌ترین عضو «هفت خواهران نفتی»، به یکی از بزرگ‌ترین آنها تبدیل شود. در سه دهه اخیر، بخش‌های خصوصی و دولتی سراسر جهان، از روش سناریو برای رویارویی با مسائل مختلف و نیز برنامه‌ریزی رهبری خود بهره می‌گیرند (بهاری، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱).

درباره تعریف سناریو باید گفت که هیچ تعریف منحصر به فردی از سناریو وجود ندارد و صاحب‌نظران تعریف‌های گوناگونی از این مفهوم ارائه کرده‌اند که گاه متفاوت یا حتی متعارض است. به طور کلی، می‌توان گفت که سناریوها توصیف‌هایی قصه‌گونه از رویدادهای ممکن و چندگانه‌ای هستند که احتمال وقوع آنها در آینده وجود دارد؛ آمیزه‌ای از پیش‌بینی‌های تخیلی و با این حال، واقع‌گرایانه از رویدادهای احتمالی آینده (پدرام، ۱۳۸۸: ۹-۱۰).

درواقع، سناریو، عبارت از داستان یا شرح رویدادهای آینده است که تحت شرایط معین (مثلاً اگر روندهای جاری ادامه یابد، یا کارهای بخصوص دیگری انجام شود)، می‌تواند اتفاق بیفتد. سناریوها را تقریباً می‌توان با همه تکنیک‌های آینده‌پژوهی (از کمی‌ترین تا کیفی‌ترین آنها) ترکیب کرد. سناریوها به افراد، امکان تجسم و انکشاف آینده‌های ممکن را می‌دهند (بل، ۲۰۰۳: ۳۲۰). در این راستا، طراحی دامنه‌ای از انتخاب‌ها برای رویارویی با آینده‌های ممکن و سنجش پیامدهای آن انتخاب‌ها، قلب فرایند سناریونویسی است. بنابراین، می‌توان گفت که فرضی بودن سناریوها، ارائه شرحی کلی از آینده و داشتن رویکرد کل‌گرایانه به آینده، از ویژگی‌های سناریوهاست (رک. بهاری، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۸).

الگوهای مختلفی برای سناریونویسی ارائه شده است که کلی‌ترین و مهم‌ترین آنها، دو الگوی زیر است:

۱. سناریوهایی که قبل از وقوع یک وضعیت نوشته می‌شوند.

۲. سناریوهایی که پس از وقوع یک وضعیت و برپایه رخداد‌های جدید نوشته می‌شوند (تیشه‌یار، ۱۳۹۰).

یک سناریو مزیت‌های بسیاری دارد؛ از جمله: ۱- با تجزیه و تحلیل عواقب ناشی از اقدامات و تصمیمات حاضر، دید ما را نسبت به ابعاد مختلف موضوع روشن می‌کند؛ ۲- سناریو از عهده پیچیدگی‌ها برمی‌آید؛ ۳- به حوادثی که مانند نقاط منفردی هستند، معنا می‌بخشد؛ ۴- سناریو با شناسایی پیامدهای رویدادهای کنونی به آینده، می‌تواند خطاهای تصمیم‌گیری را نیز کاهش دهد (اسچنرز، ۱۹۸۷: ۱۰۹؛ برای اطلاع بیشتر، رک. شوارتز، ۱۹۹۹).

اما سناریوها، معایب و نقاط ضعفی نیز دارند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- قطعیت در نتیجه‌گیری‌ها و یک پاسخ برای هر تصمیم وجود ندارد.
۲- بیش از اندازه، گرایش داشتن به کلیات و جامع بودن، که باعث می‌شود قوه شهودی مدیران برای پیدا کردن راه‌حل کاهش یابد.
۳- روش‌ها و جواب‌های سناریو، عموماً کیفی است و برای مقایسه با یکدیگر، با متغیرهای کمی مناسب نیست.

۴- روش‌های مبتنی بر سناریو، زمان‌بر هستند و به برنامه‌هایی مانند کارگاه‌های آموزشی نیاز دارند که افراد در زمان‌های نسبتاً طولانی باید با یکدیگر در جلسات حضور داشته باشند.

۵- پنهان‌کاری: بیشتر شرکت‌هایی که از سناریو برای تدوین تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند، آن را برای عموم منتشر نمی‌کنند (چندلر، ۱۹۸۷: ۱۱۳؛ برای اطلاع بیشتر، رک. کان و واینر، ۱۹۶۷).

روش تدوین سناریوها

سناریوها قالب فکری چندگانه‌ای دارند. آنها از مجموعه‌ای از تئوری‌ها، قوانین و قواعد

سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان / ۹

اجرای بهره‌مندی و آنها را در استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مدیریتی یا سیاست‌گذاری به‌کار می‌گیرند. این قواعد و نظریه‌ها بعضاً در تعارض با یکدیگر قرار دارند. ابزارهای روش‌شناختی مورد استفاده سناریوسازان، طیف گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که در یک طرف آن، شیوه‌های اثبات‌گرایانه مشاهده تجربی، قیاس، نظریه‌پردازی، استقرا و دستیابی به نتایج موردنظر از طریق فرضیات آزمون‌پذیر و در طرف دیگر آن، تفکرات مبتنی بر مفروضات ذهنی و عقاید شخصی اثبات‌ناپذیر قرار دارد. به این ترتیب، می‌توان گفت که روش‌شناسی سناریونویسی، الگویی منطبق با مدل پست پوزیتیویسم است که در آن اثبات‌پذیر و اثبات‌ناپذیر در کنار یکدیگر به‌کار گرفته می‌شود. البته، باید توجه کرد که کیفیت تفکر، در سناریوسازی اهمیت ویژه‌ای دارد. گاه سناریوسازی با شبیه‌سازی اشتباه گرفته می‌شود. البته، شبیه‌سازی، بخشی از سناریوسازی است؛ اما همه آن نیست. شبیه‌سازی، ترکیب بخش‌هایی از واقعیت کنونی برای نمایش دادن آینده است؛ درحالی که سناریوسازی به‌دنبال یافتن و تفکر کردن بر روی این موضوع است که چگونه یک سیستم می‌تواند با امکانات آینده عمل کند و در آینده چه چیزی در انتظار سیستم است. با این همه، باید اذعان کرد که پایه‌های نگارش یک سناریو، معمولاً بر آمارهای حاصل از علم احتمالات، ماتریس‌های حرکت‌های بازیگران عقلایی در تئوری بازی‌ها و فرمول‌های شبیه‌سازی شده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بنا می‌شوند (تیشه‌یار، ۱۳۸۲: ۱۲).

چنانکه بیان شد، روش‌های تدوین سناریو بسیار است. از آنجا که بیشتر رویکردهای سناریونویسی، تلفیقی است؛ روش منتخب ما در این پژوهش، روش **جیمز دیتور** با تلفیقی از گام دوم تحلیل تأثیر بر روند است. در ابتدا، روش سناریونویسی **جیمز دیتور** و سپس توضیح مختصری از تحلیل تأثیر بر روند و به‌ویژه گام دوم آن ارائه می‌شود.

جمیز دیتور (۱۹۷۹)^۱ معتقد است که باید در طراحی و تدوین سناریوها، از چهار الگوی کلی پیروی کرد:

۱. رشد مداوم: بهبود شرایط فعلی، محصولات بیشتر، فناوری بیشتر، جاده‌های بیشتر و غیره. در این نوع سناریوها، فناوری به عنوان راه‌حل همه مسائل فرض می‌شود.

۲. فروپاشی: این آینده، نتیجه شکست رشد مداوم است. تناقضات فراوانی که در اطراف ما وجود دارد، سرچشمه چنین آینده‌ای است؛ مانند ناهمخوانی میان اقتصاد و طبیعت، زنان و مردان، مذاهب و رویکردهای سکولار و پست مدرن، فناوری‌ها و فرهنگ و غیره.

۳. وضعیت باثبات: این آینده گویای توقف رشد و تعادل میان اقتصاد و طبیعت یا بخش‌های دیگر نظام است. در چنین آینده‌ای، جامعه متعادل‌تر و عادلانه‌تر است. این آینده هم به طبیعت و هم به گذشته بازگشت می‌کند. ارزش‌های انسانی، حرف نخست را در آن می‌زند و به فناوری معمولاً به مثابه یک مشکل نگریسته می‌شود.

۴. دگرگونی (انتقال):^۲ این نوع سناریو به دنبال تغییر فرض‌های بنیادین سه نوع سناریوی پیشین است. دگرگونی از طریق تغییر فوق‌العاده فناورانه و یا تغییر معنوی رخ می‌دهد.

در واقع، جمیز دیتور، الگوی تدوین سناریوها را به صورت بسته و در قالب چهار سناریو طراحی می‌کند. با پیروی از این الگو، می‌توان تصویری از بهترین حالت ممکن، بدترین حالت ممکن، حالت بدون تغییر و حالت خارج از چارچوب به دست آورد.

- بهترین حالت ممکن، زمانی است که سازمان به سمتی که مایل است، حرکت

می‌کند.

1. James Dator
2. Transformation

- بدترین حالت ممکن، زمانی است که همه چیز بد پیش می‌رود.
 - حالت بدون تغییر: از ادامه خطی روندهای حاکم حاصل می‌شود.
 - حالت خارج از چارچوب: زمانی است که پدیده‌ای حیرت‌آور مادی یا معنوی ظاهر می‌شود که سبب تغییرات می‌شود.
- اندیشیدن به این چهار حالت ما را مطمئن می‌کند که به‌طور ناآگاهانه چشم بر بخشی از آینده‌های ممکن نبسته‌ایم (بهاری، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۲).
- البته، جیمز دیتور، این الگو را در محیط اقتصادی و به‌ویژه مدیریت و پیشرفت اقتصادی مطرح کرده است؛ اما می‌توان از این الگو برای عرصه سیاست و روابط خارجی میان کشورها نیز بهره برد.

تحلیل تأثیر بر روند^۱

روش تحلیل تأثیر بر روند، چارچوب مناسبی برای ترکیب روش‌های کمی و کیفی است که توسط تد گوردون^۲ در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی ارائه شد (بیشاپ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۱). این روش، به پیش‌بینی و بررسی دلیل، ماهیت، تأثیرات بالقوه، احتمال وقوع و سرعت بروز تغییر در یک زمینه در حال تغییر می‌پردازد. در واقع، در این روش سعی می‌شود که تأثیرات رویدادهای مختلف بر ادامه روندهای کنونی بررسی و روندهای واقعی ترسیم شود. موضوع کلیدی در تحلیل تأثیر بر روند، این است که در آینده به‌علت وقوع رویدادهای گوناگون، مسیرهای روندهای گذشته تغییر کرده است و شرایط جدیدی ایجاد خواهد شد که با روندهای گذشته متفاوت است (قدیری، بی‌تا: ۷۹). به این ترتیب، این روش را می‌توان برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی‌های احتمالی، تحلیل گزینه‌های سیاسی،

1. Trend Impact Analysis (TIA)
2. Theodore Jey Gordon

برنامه‌ریزی استراتژیک و سناریونویسی به‌کار برد (گوردون، ۱۹۹۴: ۱۸)؛ به همین دلیل، این روش بسیار پرکاربرد است و توسط سازمان‌های بزرگ آمریکایی، از جمله اداره هوانوردی فدرال آمریکا، اف‌بی‌آی، فرماندهی ستاد مشترک ارتش آمریکا، بنیاد ملی علوم، وزارت انرژی، وزارت حمل‌ونقل و غیره استفاده شده است (رک. گوردون و گلن، ۲۰۰۳).

یکی از مهم‌ترین مزایای روش تحلیل بر تأثیر روند، نیاز به مشخص کردن این است که چه رویدادهایی در آینده تأثیرگذار خواهند بود که در راستای پاسخ به این پرسش، پیش‌بینی تحلیلگر، رویدادهای در نظر گرفته شده و احتمال رخداد آنها و تأثیراتشان مؤثر خواهد بود. رویدادها و قضاوت درباره آنها می‌تواند یک یا چند سناریو را بسازد. در واقع، این روش می‌تواند کمیت را به یک سناریو اضافه کند و یک بازه را پدید آورد؛ اما یکی از معایب این روش، آن است که فهرست تهیه شده از رویدادها، همیشه کامل نیست؛ حتی اگر فهرست کامل باشد، نمی‌توان با قطعیت گفت که احتمالات و تأثیراتی که از طریق قضاوت به‌دست آمده‌اند، دقیق هستند. در واقع، چنین فهرستی، انتظارات و فرضیات ما از آینده است که می‌تواند درست باشد یا درست نباشد (گوردون، ۱۹۹۴: ۲۱).

روش تحلیل تأثیر بر روند، دو گام اصلی دارد که به طور خلاصه عبارتند از:

گام اول: شناسایی روندها: یک روند بر اساس داده‌های تاریخی، شناسایی و ترسیم

می‌شود. این گام مبتنی بر داده‌های کمی است و در سه مرحله پیگیری می‌شود:

۱- شناسایی رویدادهای بالقوه (حادثه‌های بالقوه) بر یک روند که تأثیر می‌گذارد و باید دو ویژگی داشته باشد: الف- پذیرفته شدنی باشد؛ ب- تأثیرات بالقوه قوی داشته باشد.

۲- شناسایی و بررسی احتمال و زمان وقوع.

۳- شناسایی تأثیرات بالقوه هر یک از رویدادهای شناخته شده بر روند (برون‌یابی

روند).

گام دوم: شناسایی تأثیرات بالقوه بر روند: در این گام کوشش می‌شود تا رویدادهای بالقوه تأثیرگذار بر روند شناسایی شود. این گام، مبتنی بر قضاوت خبرگان است و در سه مرحله پیگیری می‌شود:

۱- شناسایی رویدادهای تأثیرگذار (حادثه‌ها یا اتفاق‌ها)؛

۲- شناسایی احتمال و زمان وقوع رویدادها؛

۳- شناسایی تأثیر و زمان وقوع رویدادها بر روند (قدیری، بی تا: ۸۵-۸۸).

با توجه به این الگو، پرسش اصلی ما در مقاله حاضر این است که سناریوهای آینده روابط ایران و عربستان چیست؟

با توجه به اینکه پژوهش ما اکتشافی است، نمی‌توان فرضیه‌ای برای آن طراحی کرد. برای پاسخ به پرسش اصلی، سه پرسش فرعی باید پاسخ داده شود که عبارتند از: عوامل کلیدی (پیشران‌ها) و رویدادهای روابط ایران و عربستان چیست؟ با توجه به الگوی جیمز دیتور، چهار سناریوی طراحی شده کدامند؟ میزان احتمال وقوع این رویدادها و تأثیر آنها در سناریوهای روابط ایران و عربستان تا چه حد است؟

عوامل کلیدی و رویدادهای روابط ایران با عربستان

در ادبیات آینده‌پژوهی، رویدادهای بالقوه، همان حادثه‌ها و اتفاقات شکل‌دهنده آینده جهان هستند که به‌عنوان پیشران یا مانع برای سناریوها تلقی می‌شوند. نکته قابل توجه آنکه، هر عامل کلیدی می‌تواند برای یک سناریو به‌عنوان پیشران و برای سناریوی دیگر، مانع محسوب شود؛ برای مثال، عامل هلال شیعی می‌تواند برای سناریوی همکاری، مانع و برای سناریوی تیرگی روابط، پیشران محسوب شود. این عوامل کلیدی یا رویدادهای تأثیرگذار بر روندها، دربرگیرنده عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، جغرافیایی و

حتی فناوری هستند. برخی از این عوامل کلیدی (پیشران‌ها) روابط ایران و عربستان عبارتند از:

۱. **عامل مذهبی یا ایدئولوژیک (شیعه و وهابی):** مهم‌ترین نقاط واگرایی ایران و عربستان سعودی را می‌توان در حوزه ایدئولوژیک تضاد دو مذهب وهابیت و شیعه که مبتنی بر قشری‌گری و لایه‌های روئین مذهبی است، با مذهب شیعه در ایران دانست که با وقوع انقلاب اسلامی ایران تشدید شده است. البته، همان‌طور که عامل مذهب، توانایی ایجاد تهدید در روابط دوجانبه ایران و عربستان را دارد، می‌تواند عامل گسترش همکاری‌ها و مناسبات دو کشور نیز باشد؛ زیرا دین اسلام و تأکید آن بر مهم‌ترین دستورات آن؛ یعنی وحدت بین مسلمانان، مهم‌ترین اشتراک فرهنگی - مذهبی ایران و کشورهای عربی منطقه و عربستان است. اگر دو کشور از یک پایگاه گفتمانی مشترک، مثل دین اسلام در مفصل‌بندی همکاری‌های خود بهره ببرند و فضای گفتمانی را مدبرانه راهبری کنند، امکان همگرایی آنها زیاد است؛ اما اگر عامل شیعه و سنی را تقویت کنند، سبب واگرایی شدید هر دو کشور در تعاملات و مناسبات‌شان خواهد شد.

۲. **عامل قومی (ایرانی و عربی):** مهم‌ترین عامل اختلاف و واگرایی دو کشور ایران و عربستان پس از عامل مذهبی و ایدئولوژیک، عامل قومی است که ریشه تاریخی دارد. دعوی قدیم هر دو کشور بر سر نام خلیج فارس، شاهدهی بر مدعای ماست. ناسیونالیسم عربی منطقه با تأکید بر مجادله بر سر نام خلیج فارس، به تشدید مخالفت‌ها کمک می‌کند.

۳. **هلال شیعی:** از نظر دولت‌های عربی منطقه؛ به‌ویژه عربستان، تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل گرفته است و یک هلال شیعی از لبنان تا پاکستان ایجاد شده که می‌تواند تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد (عزتی، ۱۳۹۰: ۲۸).

از نگاه آنان، ایران می‌کوشد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود

بیفزاید و آن را علیه کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به‌کار گیرد (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۷).

۴. **بهار عربی یا خیزش‌های مردمی منطقه:** تحولات اخیر خاورمیانه، سبب تغییراتی در مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و حتی جهانی شده است که مهم‌ترین آنها، چالش مشروعیت نظام‌های سیاسی و تبدیل مخاطبان سیاست خارجی کشورها، از دولت‌ها به ملت‌هاست. ایران و عربستان، به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای مؤثر در تحولات منطقه، سعی کرده‌اند از فرصت‌ها و تهدیدهای ایجاد شده در این شرایط بهره ببرند و از ابتدای شروع این تحولات، درصدد بودند با تکیه بر آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف خود، در جهت تأمین خواسته‌ها و منافع‌شان اقداماتی را انجام دهند (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۲-۱۴۴). ایران و مسئولان ایرانی، از این خیزش‌های مردمی بسیار حمایت کرده‌اند؛ زیرا منافع ایران در کشورهای منطقه تنها مادی و سیاسی نیست؛ بلکه منافع ارزشی و فرهنگی نیز دارد؛ اما عربستان علاوه بر محکومیت این خیزش‌های منطقه‌ای، نگران است که سقوط حکومت‌های استبدادی منطقه، سبب به قدرت رسیدن حکومتی به رهبری شیعیان و در نتیجه، افزایش نفوذ ایران در منطقه شود.

۵. **حضور مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های خارجی و داخلی منطقه (مانند آمریکا، روسیه و توکیه):** ایران تنها قدرت نظامی متکی به خود در خلیج فارس است (عزتی، ۱۳۷۳: ۱۳۳) و حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، در سایه قدرت‌های نظامی برخی از کشورهای منطقه، جدی‌ترین تغییر در محیط راهبردی منطقه است؛ به‌طوری که توازن را به زیان ایران دگرگون کرده است (خادمی، ۱۳۸۴: ۲۰۳).

در شرایط کنونی، نقش ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس، حضور جدی و ایفای نقش انحصاری است. آمریکا در پی ممانعت از نقش محوری ایران برای همگرایی منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس و تسلط بر اراده سیاسی کشورهای منطقه است.

استراتژیست‌های ایالات متحده معتقدند که آمریکا منافع وسیعی در جلوگیری از ظهور هر قدرت منطقه‌ای دارد. آمریکا در حکم یک عامل فرامنطقه‌ای، همواره درصدد القای تفکر ایران خطرناک و هسته‌ای در جهت به‌خطر انداختن منافع کشورهای منطقه و جهان است. مخالفت‌های شدید در مورد پرونده هسته‌ای ایران و تهدیدها و همسو کردن افکار عمومی با سیاست‌های توسعه‌طلبانه و یکجانبه‌گرایانه، از مشکلات فراروی همگرایی و ایجاد بروز تعارضات در منطقه است (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶).

در تنگنا قرار دادن ایران از طریق محدود کردن حوزه اعمال نفوذ ایران در منطقه و ایفای نقش به‌عنوان قدرت منتقد منطقه‌ای، از اهداف مهم حضور نظامی آمریکاست؛ چنانکه آمریکا بارها پس از جنگ سرد، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یکی از تهدیدهای عمده نسبت به منافع ملی خویش اعلام کرده است (چوبین، ۱۹۹۵: ۱۰۹). همچنین، عربستان به دنبال تحقق نظم هژمونیک برونزا از راه ائتلاف و اتحاد با ایالات متحده بوده که همین مسأله سبب واگرایی و تعارضات ایران و عربستان شده است (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

۶. ادعای ام‌القرایی و قدرت اول منطقه بودن: ایران و عربستان خود را «ام‌القرای» جهان اسلام می‌دانند و در بعد منطقه‌ای و فراتر از آن در جهان اسلام، نقشی مهم برای خود قائل هستند. ایران به دلیل وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی و شیعی مستقل از غرب و اروپا، راهبری و رهبری جهان اسلام را وظیفه خود می‌داند و عربستان با استفاده از امکانات مالی و مزیت منحصر به‌فرد خود؛ یعنی وجود «حرمین شریفین» در سرزمین وحی، خود را رهبر کشورهای منطقه می‌داند. به نظر عربستان، ایران به دنبال گسترش تشیع، صدور انقلاب و سرنگونی دولت‌های استبدادی منطقه است.

از طرف دیگر، هر کشوری برای اینکه بتواند قدرت در سطح منطقه یا جهان محسوب شود، باید پنج شاخص «ادعا، پتانسیل، اقدامات، پذیرفتن و نفوذ» را به‌دست آورد.

ایران بر مبنای سند چشم‌انداز، بر آن است تا در افق ۱۴۰۴ به قدرت اول منطقه در حوزه‌های گوناگون تبدیل شود. ایران پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های لازم، مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت جغرافیایی، گستردگی جمعیت، وجود جمعیت جوان، استعدادهای فراوان و منابع زیرزمینی و طبیعی را برای قدرت منطقه شدن دارد و اقدامات مؤثری نیز در زمینه سیاست داخلی و خارجی انجام داده است. عربستان سعودی نیز علاوه بر داشتن ادعای قدرت منطقه‌ای بودن، پتانسیل مالی، جغرافیایی و جمعیتی را دارد؛ اما از لحاظ اقدامات، پذیرش و نفوذ، هر کشوری بهتر سیاست‌گذاری و عمل کند و زودتر به این شاخص‌ها دست یابد، می‌تواند قدرت اول منطقه شود.

۷. مسأله تسلیحاتی و هسته‌ای: هر دو کشور ایران و عربستان به مقتضای تهدیدهای امنیتی که از یکدیگر احساس می‌کنند، سعی کرده‌اند به هر نحو، از میزان آسیب‌پذیری خود نسبت به رقیب کاسته و در عوض، آسیب‌پذیری کشور مقابل را افزون کنند. راهبرد اساسی عربستان در زمینه افزایش قدرت نظامی، خرید تسلیحاتی جدید و تأمین مدرن‌ترین تسلیحات از منابع متعدد است و همواره این کشور، جزو رتبه‌های نخست در بین کشورهای واردکننده تسلیحات است (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۵۲). ایران نیز با انجام مانورهای نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز؛ به ویژه پس از زمزمه‌های تحریم نفتی ایران از سوی کشورهای غربی و حمایت عربستان از این طرح، بر نقش‌آفرینی و حضور نظامی خود در منطقه تأکید دارد و این رقابت تسلیحاتی بر بروز تنش و تعارضات این دو کشور در منطقه می‌افزاید.

از طرف دیگر، تمرکز دولت یازدهم ایران بر مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ و افزایش تماس‌های دیپلماتیک ایران با کشورهای غربی برای پیدا کردن راه‌حل جامع بر سر موضوع هسته‌ای، این گمان را در برخی محافل منطقه‌ای ایجاد کرده است که ایران توجهی به روابط با همسایگان خود؛ به‌ویژه کشورهای عربی منطقه ندارد و حتی در این اندیشه است که روابط با غرب را به ابزاری برای به حاشیه راندن کشورهای عربی تبدیل کند؛ اما

اگر عربستان سعودی، این تلقی خود را تغییر دهد که سیاست قدرت در خاورمیانه، تهاجمی یا بازی با حاصل جمع صفر نیست و از طرفی، قدرت‌یابی ایران و تعامل با غرب، لزوماً به معنای ناامن شدن عربستان و کشورهای منطقه نیست که مستلزم مقابله نظامی با آن باشد؛ بلکه حتی می‌تواند تأمین‌کننده منافع و امنیت منطقه و عربستان باشد؛ با تغییر این سوءبرداشت‌ها توسط آن کشور و سیاست‌های تعاملی بیشتر ایران، امکان همگرایی دو کشور بیشتر خواهد شد.

سناریوهای روابط ایران و عربستان با توجه به الگوی جیمز دیتور

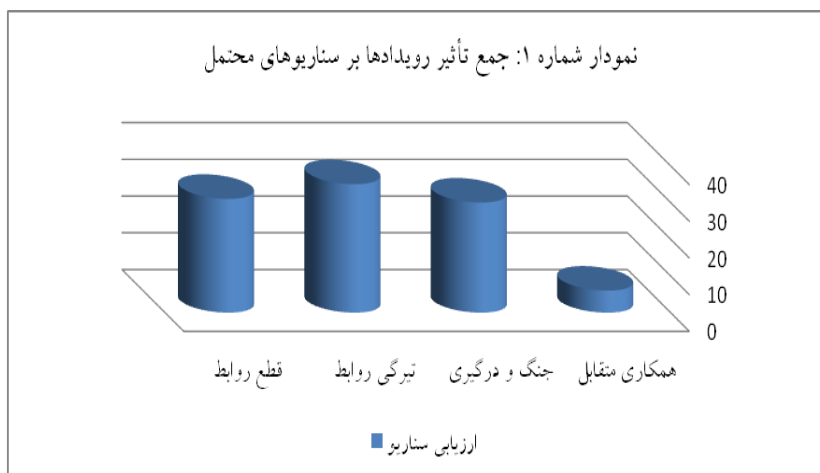
با توجه به روش تحقیق، می‌توان برای روابط ایران و عربستان چهار سناریو تبیین کرد:

۱. همکاری متقابل (بهترین حالت ممکن)
 ۲. جنگ و درگیری (بدترین حالت ممکن)
 ۳. تیرگی روابط (حالت بدون تغییر)
 ۴. قطع روابط (حالت خارج از چارچوب)
- در ماتریس زیر، سناریوها و رویدادها، و میزان احتمال وقوع هر یک نمایش داده و در ردیف آخر نیز ارزیابی شده‌اند. به دلیل سهولت نمایش میزان احتمال وقوع و نیز میزان تأثیر و ارزیابی سناریو، به هر یک از مؤلفه‌ها با توجه به معیار کمی «۰، ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵» نمره داده شده است که هر یک از اعداد مذکور به ترتیب جایگزین و نشانگر «بدون تأثیر، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد» شده است.

سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان / ۱۹

جدول ۱: بررسی تأثیر رویدادها بر سناریوهای احتمالی روابط ایران و عربستان

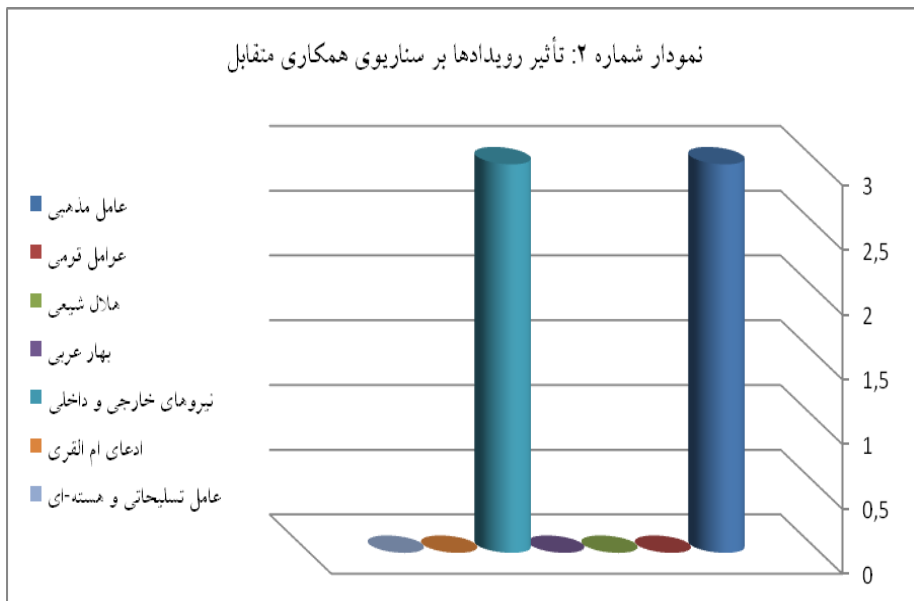
ارزیابی سناریو	رویدادها و میزان احتمال وقوع							انواع سناریوها
	عامل تسلیحی و هسته‌ای	ادعای امّ القری	نیروهای خارجی و داخلی	بهار عربی	هلال شیعی	عوامل قومی	عامل مذهبی	
تأثیر رویدادها	عامل تسلیحی و هسته‌ای	ادعای امّ القری	نیروهای خارجی و داخلی	بهار عربی	هلال شیعی	عوامل قومی	عامل مذهبی	سناریوهای بسته
۶	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۳	همکاری متقابل
۳۰	۳	۵	۳	۵	۵	۵	۴	جنگ و درگیری
۳۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	تیرگی روابط
۳۱	۵	۵	۳	۵	۵	۴	۴	قطع روابط



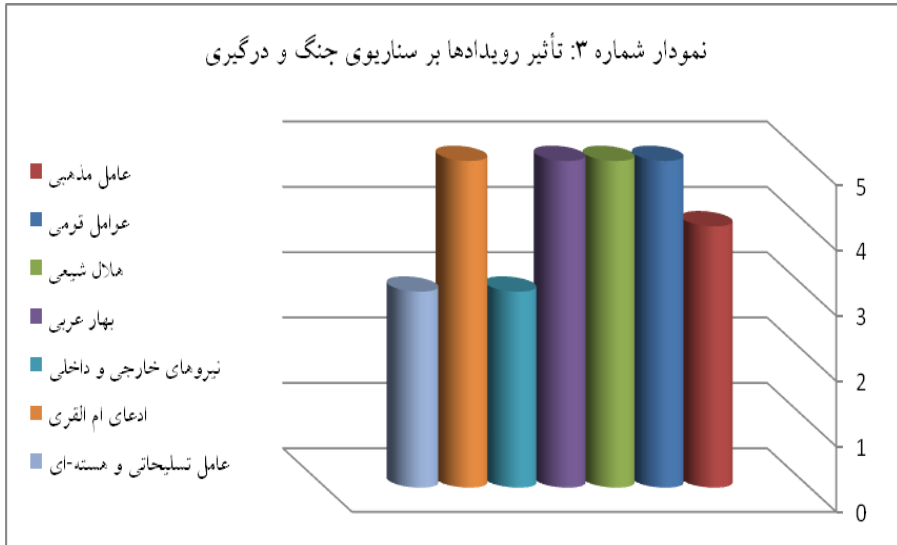
تحلیل ماتریس سناریوها

۱- سناریوی اول (همکاری متقابل): در سناریوی همکاری متقابل، عامل مذهب و نیروهای خارجی می‌تواند عامل پیشران و تقویت‌کننده سناریو باشد؛ به این‌گونه که بر اسلام به‌عنوان

عامل وحدت‌دهنده مسلمانان تأکید شود و نیروهای خارجی با سپردن امنیت منطقه به خود کشورهای منطقه و دخالت نکردن در امور آنها، سبب واگرایی کشورها نشوند. البته، از سوی دیگر، این دو عامل خود مانع نیز هستند؛ به این صورت که اگر به جای تأکید بر وحدت، شیعه و سنی بودن تقویت شود و یا اینکه نیروهای خارجی افکار یک طرف را جهت‌دهی کنند مبنی بر اینکه طرف دیگر درصدد دسیسه و ایجاد تنش در منطقه است، این امر به واگرایی منجر خواهد شد. به همین دلیل، در امتیاز دادن برای میزان اثرگذاری این دو عامل، امتیاز متوسط (۳) داده شده است؛ اما سایر عوامل، مانند عوامل قومی، هلال شیعی، ادعای ام‌القری، قدرت اول منطقه بودن و نیز مسائل هسته‌ای و تسلیحاتی در این سناریو جزو موانع محسوب شده و سبب واگرایی بیشتر دو کشور تا همگرایی خواهند شد؛ بنابراین، در تقویت این سناریو، تأثیری ندارند.



۲- سناریوی دوم (جنگ و درگیری): در این سناریو، اختلافات دیرینه مذهبی و قومی بین دو کشور، تقویت و گسترش هلال شیعی توسط ایران، وقوع بهار عربی و برچیده شدن حکومت‌های استبدادی و روی کار آمدن حکومت‌های شیعی یا جمهوری خواه در کشورهای منطقه و ادعای ام‌القزایی و قدرت اول منطقه بودن از سوی هر دو کشور، می‌تواند عامل پیشران قوی باشد؛ بنابراین، بیشترین تأثیر را در این سناریو دارند. هرچند شاید بتوان گفت که عامل مذهبی، به دلیل مشترک بودن دین هر دو کشور و وجود اماکن مقدسه، در این سناریو تأثیر زیاد دارد؛ نه بیشترین تأثیر را؛ اما عوامل نیروهای خارجی و عامل تسلیحاتی و هسته‌ای، مانع هستند؛ زیرا نیروهای خارجی و داخلی منطقه، نه تنها به دنبال آشوب و جنگ در منطقه نیستند؛ بلکه به خاطر حفظ منافع خود و امنیت اسرائیل، به دنبال ایجاد امنیت در منطقه هستند؛ هرچند که غرب از اختلافات و تنش بین کشورها سود می‌برد و گاهی خود به آن دامن می‌زند تا ائتلاف و همگرایی بین کشورهای منطقه صورت نگیرد؛ ولی خواهان جنگ و ناآرامی نیست. از طرف دیگر، قدرت تسلیحاتی و هسته‌ای هر دو کشور، هم عامل بازدارنده از جنگ و هم خود عامل جنگ و ایجاد تنش است. عربستان سعودی، در مسائل هسته‌ای ایران بسیار کوشش کرد تا مذاکرات ایران با غرب و اروپا به نتیجه نرسد؛ زیرا از نزدیکی ایران به غرب و قدرت یافتن او بسیار واهمه دارد. به همین دلیل، به دو عامل، نیروهای خارجی و مسأله تسلیحاتی، امتیاز متوسط داده شده است.



۳- سناریوی سوم (تیرگی روابط): هفت عامل پیشران برشمرده شده، بیشترین تأثیر را در تقویت این سناریو دارند. اختلافات ایدئولوژیک و قومی که اخیراً به دلیل فاجعه منا و اعدام شیخ نمر و حمله به سفارت عربستان، تشدید شده است، گسترش یافتن هلال شیعی با برچیده شدن حکومت‌های استبدادی عراق و یمن و روی کار آمدن شیعیان، به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای ایران و همگرایی بین ایران، غرب، اروپا و روسیه، کمک ایران به کشورهای همسایه‌اش، مانند سوریه و یمن در راستای ادعای قدرت منطقه بودن و ایجاد امنیت در منطقه و غیره، سبب شده است که همه عوامل در این سناریو، بیشترین تأثیر را داشته باشند؛ به طوری که می‌توان گفت سناریوی تیرگی روابط را می‌توانیم سناریوی تیرگی شدید روابط ایران و عربستان بنامیم.

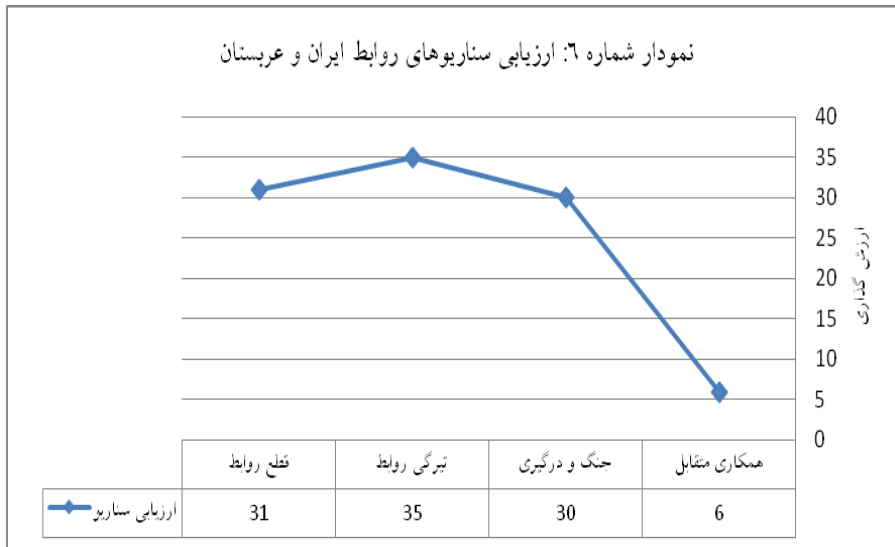


۴. سناریوی چهارم (قطع روابط): در این سناریو، عامل قومی و مذهبی و موارد برشمرده شده در سناریوی سوم، می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد؛ هرچند به دلیل اینکه دین هر دو کشور، اسلام است و مهم‌ترین دستور دین اسلام، ایجاد وحدت بین مسلمانان است و نیز به دلیل مراسم مذهبی حج و عمره و وجود اماکن مقدسه مکه و مدینه، نمی‌توان بیشترین تأثیر را در این سناریو به این عامل داد؛ اما عربستان بسیار نگران دخالت ایران در کشورهای عربی منطقه و وجود شبه نظامیان ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن است و در کنفرانس‌ها و نشست‌های مختلفی که در منطقه برگزار شده است، از این موضوع اظهار نارضاحتی و نارضایتی کرده است. همچنین، امضای برجام توسط ایران و کشورهای غربی و اروپایی و نزدیکی ایران به غرب، سبب نگرانی عربستان از قدرت‌یابی ایران شده است؛ اما نیروهای خارجی و منطقه‌ای به دلیل ایجاد توازن و امنیت در منطقه، به دنبال قطع روابط دو کشور نیستند و در حال حاضر هم که روابط دیپلماتیک دو کشور قطع شده است، با رایزنی‌های مختلفی درصدد برقراری مجدد روابط هستند. پس این عامل در قطع روابط

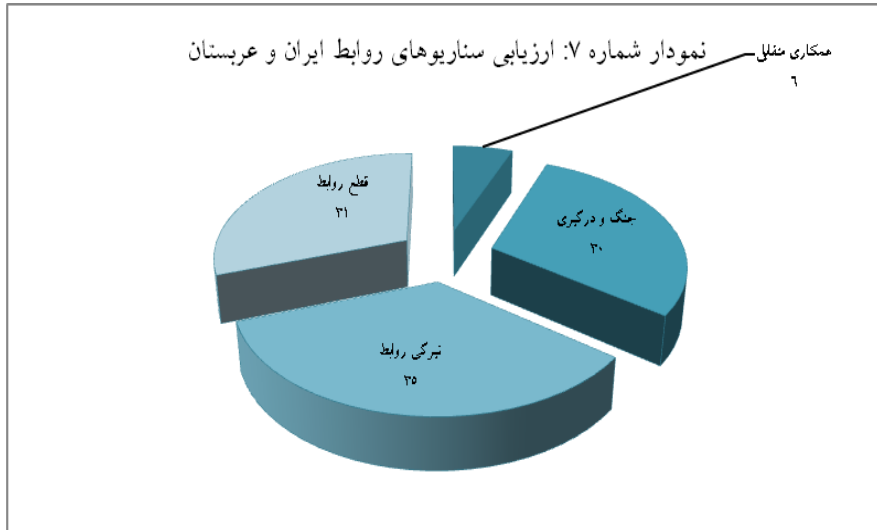
می‌تواند تأثیر متوسطی داشته باشد؛ زیرا از یک طرف، نزدیکی این قدرت‌ها به ایران یا عربستان سبب نگرانی دو طرف می‌شود و از طرفی، این قدرت‌ها به دلیل حفظ منافع خود و امنیت منطقه، خواهان قطع روابط و واگرایی کامل ایران و عربستان نیستند.



سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان / ۲۵



به این ترتیب، سناریوی همکاری متقابل، کمترین احتمال وقوع و سناریوی تیرگی روابط، بیشترین احتمال وقوع را در روابط ایران و عربستان در دهه آینده خواهد داشت. سناریوهای قطع روابط و جنگ و درگیری نیز احتمال وقوعشان زیاد است.



اما سناریوی «همکاری متقابل و رهیافت امنیتی مشارکتی در منطقه خاورمیانه»، سناریوی مطلوب ماست. جمهوری اسلامی ایران در این سناریو لازم است از عامل سیاسی در تعامل با عوامل کلیدی دیگر بهره گیرد. افق آینده منطقه به گونه‌ای است که با وجود توهم‌های موجود در میان دو کشور و نیز تضادهای ایدئولوژیک و با وجود عوامل متعدد افزایش تنش‌ها، همکاری مشترک همچنان به عنوان سناریوی مطلوب دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به روش مقاله که سناریونویسی با کمک گام دوم تحلیل تأثیر بر روند است، می‌توان گفت که در دهه آینده، روابط ایران و عربستان به صورت تیرگی روابط و یا تیرگی شدید روابط خواهد بود؛ همان‌گونه که در دهه‌های قبل (به جز آخر دوران سازندگی و دوران اصلاحات) بوده است. ممکن است اگر یکی از رویدادها قوت بیشتری بگیرد، مانند دخالت نیروهای خارجی و شیطنت‌های آنان و یا عوامل قومی - مذهبی بین دو کشور

تشدید شود، در آینده شاهد نزاع، جنگ و درگیری بین دو کشور، هرچند به صورت جنگ‌های نیابتی باشیم. هم‌اکنون نیز با تقویت عامل ایدئولوژیک، شاهد قطع روابط دیپلماتیک ایران و عربستان هستیم؛ در صورتی که اگر این وضعیت از قبل پیش‌بینی علمی شده بود، با یک برنامه‌ریزی مدبرانه و فعالانه می‌شد از این وضعیت پیش‌آمده جلوگیری کرد. به‌هرحال، با توجه به اینکه سیاست خارجی مطلوب و سازنده، بر پایه تعامل و همکاری مشترک و سازنده شکل می‌گیرد، سیاستمداران باید از عامل سیاسی و عوامل قومی - مذهبی و یا نیروهای منطقه‌ای در جهت همگرایی و تعامل بیشتر بهره‌برداری کنند.

منابع

- آدمی، علی؛ سیدمحمدرضا موسوی و حسینعلی توتی. (۱۳۹۰). «تحول انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپولیتیکی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۰.
- ابراهیمی، شهرز؛ محمدرضا صالحی و سید مهدی پارسایی. (۱۳۹۱). «بررسی واکنش‌های آمریکا و عربستان به خیزش‌های مردمی در بحرین (۲۰۱۱-۲۰۱۲)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۰.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله و سیدرضا مظلوم طبائی زواره. (۱۳۹۲). «کالبدشکافی انقلاب صورتی در یمن و نقش عربستان در سرکوب آن»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۶، ش ۲۴.
- اسلاتر، ریچارد و همکاران. (۱۳۸۴). *نواندیشی برای هزاره نوین: مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی*، ترجمه عقیل ملکی‌فر، احمد ابراهیمی، وحید وحیدی‌مطلق، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقات دفاعی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک.
- بوزان، بری و الی ویور. (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*، ترجمه رحمن قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهاری، مجتبی. (۱۳۹۱). *مجموعه کتابچه‌های آموزشی آینده‌پژوهی: کتاب سوم: روش سناریو*، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- پدرام، عبدالرحیم و همکاران. (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی: مفاهیم و روش‌ها*، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- پوراحمدی‌میبدی، حسین و جمال جمالی. (۱۳۸۸). «طرح هلال شیعی: اهداف، موانع و پیامدها»، فصلنامه شیعه‌شناسی، دوره ۷، ش ۲۶.

سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان / ۲۹

تیشه‌یار، ماندا. (۱۳۹۰). *آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خادمی، غلامرضا. (۱۳۸۴). «جهان‌شمولی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: الگوی تعاون تهاتری؛ الگویی مناسب برای امنیت‌سازی»، در استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات راهبردی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

درایسدال، آلسدایر و جراد هنری بلیک. (۱۳۶۹). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر (مهاجرانی)، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

رضایی، محسن. (۱۳۸۴). *ایران منطقه‌ای*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
سلیمانی دهکردی، کریم. (۱۳۸۸). «بررسی چگونگی انعکاس روابط ایران-عربستان سعودی در مطبوعات از منظر اسناد سفارت ایران در جده (۱۹۶۸-۱۹۷۸)، فصلنامه تاریخ ایران: پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۲.

صادقی، حسین و حسن احمدیان. (۱۳۸۹). «عربستان سعودی: از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، دور دوم، ش ۷.
عزتی، عزت الله. (۱۳۷۳). *ژئواستراتژی*، تهران: سمت.

_____ (۱۳۸۸). *ژئوپلیتیک شیعه و امنیت مرزهای ایران*، تهران: البرز فر دانش.

_____ (۱۳۹۰). *جغرافیای استراتژیک ایران*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای

مسلح.

_____ (۱۳۸۲). *چرا ارتش‌ها کوچک می‌شوند؟*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس

شورای اسلامی.

قدیری، روح الله. (بی‌تا). بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی. کوهن، ساموئل برنارد. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر. یانگ، جان. (۱۳۸۴). جنگ سرد، صلح سرد: روابط آمریکا و روسیه ۱۹۴۱-۱۹۹۸، ترجمه عزت‌الله عزتی و محبوبه بیات، تهران: قومس.

- Bell, W. (2003), *Foundations of Futures Studies*, New Jersey: Transaction Publishers.
- Bishop, Peter; Andy, Hines; Terry, Collins (2007), "The Current State of Scenario Development: an Overview of Techniques", *Foresight-The journal of future studies, strategic thinking and policy*, 9 (1), pp. 5-25.
- Chubin, s. (1995), "Iran's National security", in Geoffrey Kemp and Janice Gross stein (ed) *Power Keg in the Middle East*, Lanham; Rowman and Littlefield publisher Inc.
- Gordon, T. j. (1994) "Trend impact analysis", *Futures research methodology*, AC/UNU Millennium project, Washington, DC.
- Gordon, T. j. & j. Glenn (2003), "Integration, Comparisons and Frontiers of Futures Research Methods", *Futures research methodology (Version 2.0)*, AC/UNU Millennium project, Washington: American Council for the United Nations University.
- Nicol, P. W. (2005), *Scenario Planning as an Organizational Change Agent*, Curtin University of Technology: Graduate School of Business.
- Schnaars, Steven (1987), "How to Develop and Use Scenarios", *Long Range Planning*; Vol. 20, No. 1. pp. 105-114
- Kahn, Herman & A. J. Weiner (1967), *The Year 2000*, London: McMillan.
- Schwartz, Peter (1999), *The Art of the Long View: Planning for the Future in the Uncertain World*, New York: John Wiley and Sons.